|| شمارهٔ ۳ || سال دوم || بهار ۱۳۹۷ ||

مطالعهٔ تطبیقی سبک سفال زرین‌فام شهرهای کاشان و رقه

نسرین بیک‌محمدی *
سیدهاشم حسینی **
سپیده مرادی‌محتشم ***

(صص: ۱۳۲ - ۱۱۳)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

چکیده

در قرون ۵ و ۷ هـ.ق. دگرگونی عظیمی در تمامی هنرها، صنایع و علوم از جمله هنر سفال‌گری اسلامی به‌وجود آمد و به‌حق دورهٔ طلایی سفال‌گری بود. سفال‌گران سلجوقی شیوهٔ لعاب‌کاری ظروف سفالی را احیا کردند و همچنین پیشرفت سفال زرین‌فام را می‌توان به زمان آنان نسبت داد. کاشان در آغاز سدهٔ هفتم هـ.ق. یکی از مراکز عمدهٔ سفالینه شد و به‌مدت چندین دهه ظروفی را تولید کرد که فنی دقیق و ظریف داشتند. شواهد مکتوب و کاوش‌های باستان‌شناسی دربارهٔ اهمیت کاشان در این زمینه شکی باقی نمی‌گذارد؛ چنان‌که واژهٔ کاشی نیز نام خود را از کاشان گرفته است. تقریباً همزمان با ایران، رقه در سوریه تحت حکومت ایوبیان به یکی از مراکز مهم تولید ظروف سفالین و آثار هنری ظریف تبدیل شد. آثار رقه و کاشان به‌قدری به هم شبیه هستند که گاه تشخیص آن‌ها از هم دشوار است. هدف از این مقاله مشخص‌کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین دو سبک سفال کاشان و رقه و در نهایت مشخص‌کردن تأثیر و تأثر بین این دو سبک است. در این راستا سعی شده است در این جستار به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود: چه مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این دو سبک سفالی وجود دارد؟ وضعیت تأخر و تقدم دو سبک سفالی نسبت به یکدیگر چگونه است؟ روش پژوهش در این مقاله بر اساس روش توصیفی و تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای در جهت تبیین موضوع استفاده شده است. با بررسی آثار سبک سفال زرین‌فام شهرهای کاشان و رقه می‌توان به نوعی سبک تلفیقی دست پیدا کرد که تحت‌تأثیر هنر سفال‌گری ایران قرار دارد و به‌نظر می‌رسد که سبک سفالی کاشان غالب بوده و سفال‌گران کاشانی توانسته‌اند بسیاری از شیوه‌ها و هنرهای تزئینی خود را به رقه منتقل کنند.

کلیدواژگان: سلجوقیان، ایوبیان، سفال زرین‌فام، سبک کاشان، سبک رقه.

---

*. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان (نویسندهٔ مسئول). beigmohammadi_nasrin@yahoo.com
**. دانشیار دانشگاه نیشابور.
***. دانشجوی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا.

مقدمه

سفالینه‌های اسلامی مربوط به سده‌های سوم تا هفتم هـ.ق. غالباً در مراکزی چون کاشان، ری، سلطانیه، جرجان و نیشابور، رقه و... ساخته می‌شد. در زمان سلجوقیان (سدهٔ پنجم و ششم هـ.ق.) جهش چشمگیری در تمام هنرها به‌ویژه سفال‌گری پیش آمد. در این دوره تمام روش‌های فنی سفال‌گری شناخته‌شده به‌کار برده می‌شد: حکاکی، برجسته‌کاری، شبکه‌سازی، قلم‌زنی رنگ زیر یا روی لعاب، مطلاکاری و میناکاری. آثاری با تزئین لعاب زرین‌فام را می‌توان به مثابه یکی از جلوه‌های درخشان سفال این دوران دانست. جذابیت این نوع لعاب در این بود که بدون به‌کارگیری حتی مقدار اندکی طلا، بعد از پخت، سفال جلایی طلاگونه و فلزی می‌یافت. با به قدرت رسیدن صلاح‌الدین ایوبی در نیمهٔ دوم سدهٔ ششم هـ.ق. اوضاع سیاسی سرزمین‌های شرق مدیترانه که دستخوش درگیری‌های میان صلیبیان و مسلمانان بودند تا حدودی بهبود یافت. دورهٔ ایوبیان نه‌تنها در زمینهٔ کشورگشایی و دستاوردهای جنگی، بلکه از نظر فرهنگی نیز کارآمد بود. آن‌ها راه جدیدی به دنیای هنر باز کردند، اما مدت زمان حکومت‌شان کوتاه بود. سفال‌گری دورهٔ ایوبی بیشتر با سفال رقه شناخته می‌شود. با بررسی آثار سفالی این دوره می‌توان به نوعی از سبک التقاطی دست پیدا کرد که تحت‌تأثیر هنر سفال‌گری ایران و مصر قرار دارد. تقریباً هم‌زمان و هم‌سو با ایران، رقه در سوریه تحت‌حکومت ایوبیان به یکی از مراکز مهم تولید ظروف سفالین و آثار هنری ظریف تبدیل شد. آثار رقه و کاشان به‌قدری به هم شبیه هستند که گاه تشخیص آن‌ها از هم دشوار است. هدف از این مقاله مشخص‌کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین دو سبک سفال کاشان و رقه و در نهایت مشخص‌کردن تأثیر و تأثر بین این دو سبک است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی و تحلیلی و شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است. بر این اساس منابع موجود دربارهٔ این دو سبک سفالی را مورد مطالعه قرار داده، اطلاعات مربوط به آن‌ها را گردآوری کرده و در نهایت با یکدیگر تطبیق داده شده تا برای پرسش‌های مدنظر به پاسخ مناسبی دست یابیم.

پیشینهٔ پژوهشی

پژوهش‌ها و کارهای انجام‌گرفته در زمینهٔ فن و هنر سفال‌گری ایران و جهان بسیار فراوان‌اند، اما آنچه در اینجا مدنظر ما قرار دارد پژوهش‌هایی است که در زمینهٔ سبک هنری سفال کاشان و رقه و به‌ویژه دربارهٔ سفال زرین‌فام در این دو منطقه جغرافیایی نوشته شده است. از نخستین کارها در این زمینه می‌توان به کار چاتفیلد پیر با عنوان «سفال‌های شرق‌نزدیک» اشاره کرد. او در کتاب خود سفال‌گری در نقاط مختلف شرق‌نزدیک را به‌طور جداگانه توضیح و شرح می‌دهد و در فصول مربوط به سوریه و ایران به توضیح سبک‌های سفالی رقه و کاشان می‌پردازد (Chatfield pier, 1909)، اما در نهایت مقایسه‌ای میان آن‌ها صورت نمی‌گیرد. دیماند در مقاله‌ای با عنوان «هوراس هاومایر میراث هنر اسلامی» به اشیاء سفالی موجود در گنجینهٔ هوراس هاومایر می‌پردازد و آن‌ها را به‌شکل خیلی مختصر تحت‌عنوان سفال رقه معرفی می‌کند (Dimand, 1957). جی گروبه در مقاله‌ای به بررسی سفال‌های رقه که در موزهٔ متروپلیتن نگهداری می‌شوند می‌پردازد (Groube, 1963) و الیور واتسون نیز در کتابی تحت‌عنوان «سفال زرین ایرانی» سفال‌های زرین‌فام و شیوه‌های ساخت آن به‌ویژه در کاشان و ری را توضیح می‌دهد (Watson, 1975). تقریباً هم‌زمان با واتسون، جاناتان بلوم نیز در کتابی با عنوان «سفال‌های رقه در گالری واشنگتن. دی. سی» به بررسی سفال‌های رقه و سبک‌شناسی آن‌ها می‌پردازد (Bloom, 1975)، اما او با وجود کار خوبی که ارائه می‌کند،

صرفاً به معرفی سفال‌های رقه پرداخته و اشاره چندانی به ارتباطات موجود میان سفال‌های رقه و کاشان نمی‌کند. از دیگر کارهای خوب در این زمینه کتاب «هنر اسلامی» از عفیف البهینسی است (البهینسی، ۱۳۸۷) که چون خودش اهل کشور سوریه است، در نتیجه اطلاعات خوبی در زمینهٔ سفال رقه در اختیار خوانندگان می‌گذارد. همچنین گروبه در کتاب خود با نام «سفال‌های آبی و زرین‌فام در سده‌های اولیه اسلامی» به بررسی این دو نوع سفال در دورهٔ اسلامی می‌پردازد و ساخت و تولید آن را از جنبه‌های فنی و هنری مورد توجه قرار می‌دهد. او در کار خود به معرفی سفال‌های به‌دست‌آمده در رقه و کاشان می‌پردازد و به‌طور ضمنی و مختصر به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها اشاره می‌کند (Groube, 1995). اتیگهاوزن و گرابر نیز در «هنر و معماری اسلامی» به‌شکل پراکنده و مختصری در باب سفال زرین‌فام و تولید آن در رقه و کاشان اطلاعاتی را ارائه می‌کنند (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷). از کارهای جدید صورت گرفته در این زمینه نیز می‌توان به کار جنکینز مادینا با عنوان «بازبینی سفال‌های رقه از دورهٔ ایوبی» اشاره کرد که در آن، دسته‌بندی نسبتاً خوبی دربارهٔ سفال‌های رقه صورت گرفته است (Madina, 2006). علاوه بر کتب و مقالات خارجی در سال‌های اخیر، در داخل ایران نیز مقالات و بررسی‌هایی در این زمینه صورت گرفته است؛ از جمله تیمور اکبری در مقاله‌ای صرفاً به توضیح سفال زرین‌فام ساخت کاشان می‌پردازد و در مقالهٔ مذکور از مقایسه با دیگر مناطق و سبک‌های سفالی خبری نیست (اکبری، ۱۳۹۲). در مقاله مریم قاسمی و همکارانش با عنوان «آرایه‌های تزئینی در دورهٔ ایوبیان» نقوش تزئینی به‌کاررفته در سفال‌های رقه موجود در موزهٔ متروپلیتن به‌صورت موردی شرح داده شده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴). کار قابل توجه دیگر در این زمینه، مقاله ابولفضل عرب‌بیگی و عباس اکبری است. هرچند مبنای این مقاله مقایسهٔ مستقیم میان سفال‌های کاشان و رقه نیست، اما با وجود این اطلاعات بسیار خوبی در اختیار می‌گذارد (عرب‌بیگی و اکبری، ۱۳۹۲). همان‌گونه که از توضیحات بالا مشخص است، غالب کارهای انجام گرفته در این زمینه تنها به معرفی یکی از دو سبک پرداخته و انجام مقایسه و بررسی ارتباط احتمالی میان این دو به‌جز در کار عرب‌بیگی آن هم به‌صورت محدود، درباقی موارد به‌شکل گذرا و مختصر بوده و اطلاعات چندانی ارائه نمی‌کند. در این مقاله قصد داریم به بررسی این موضوع بپردازیم و در نهایت بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود، دربارهٔ ارتباط میان این دو سبک سفالی نتیجه‌گیری کنیم.

سفال زرین‌فام

در اواخر عصر سلجوقی هنر و صنعت سفالگری ایران به‌منتهی درجهٔ پیشرفت خود دست پیدا کرده بود. آثاری با تزئین لعاب زرین‌فام را می‌توان به‌مثابه یکی از جلوه‌های درخشان سفال این دوران دانست. جذابیت این نوع لعاب در این بود که بدون به‌کارگیری حتی مقدار اندکی طلا، بعد از پخت، سفال جلایی طلاگونه و فلزی می‌یافت (تصویر ۱). همین ویژگی باعث شد تا ظروف سفالین که به‌دلیل رعایت موازین شرعی و منع استفاده از ظروف طلا و نقره در اسلام، جانشین مناسبی برای ظروف فلزی زرین و سیمین محسوب می‌شدند به کاخ‌های سلطنتی و خانه‌های اعیان و اشراف راه یابند (نیکخواه و شیخ‌مهدی، ۱۳۸۹: ۱۰).

به‌عبارت دیگر نخستین‌بار ساخت سفال صرفاً تجملی در زمان سلجوقیان رخ داد. این روش که پیش‌تر در عراق و مصر رایج بود، در قرن ششم هـ.ق. به ایران راه یافت و در سراسر شرق باستان و اروپا دگرگونی عظیمی را در زمینهٔ ساخت سفال به‌وجود آورد. آنچه مسلم است، واردات یا تلاش برای ساخت این لعاب از سده‌های نخست هجری در ایران آغاز شد و پس از یک دورهٔ فترت، در دورهٔ سلجوقی رونق یافت و در قرن هفتم به اوج عظمت و اعتلای خویش رسید (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۷).

تصویر۱. سفال زرین‌فام، رقه، اواخر قرن دوازده و اوایل قرن سیزدهم م. (مأخذ: www.metmuseum.org).

در برخی منابع ادعا شده (بدون هیچ‌گونه دلیل قانع‌کننده‌ای) که تولید نخستین ظروف زرین‌فام دورهٔ سلجوقی از مهاجرت سفالگران خلافت رو به اضمحلال فاطمی به ایران منشأ گرفته و به طرح‌های زرین‌فام و نقش‌مایه‌های زمینه شفاف و زرین منتقل شده است. با اینکه این رابطه چندان بعید نیست، باید تأکید کرد که با وضعیت موجود از دانش ما، ایران نمی‌تواند پایگاه اصلی انتقال فن بسیار پیچیدهٔ سفالینهٔ زرین‌فام باشد، چون نخستین ظروف تاریخ‌دار ایرانی از سال ۵۵۸ هـ.ق. و ۵۶۹ هـ.ق. با تلفیق پیچیده‌ای از هر دو فن تزئین یافته است. به هرحال آخرین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت، میزان جسارت نهفته در این ظروف اولیه و نیز طراحی دقیق و حرکت واقعی یا بالقوهٔ آن‌هاست که از نظر هنری به‌قدری عالی است که در زمینهٔ سفالینه‌های زرین‌فام سابقه ندارد. از این‌ها گذشته، بعدها نیز سفالینهٔ زرین‌نقش دیگری به پای آن‌ها نرسید (اتیگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۵۱۴). به هر روی ساخت سفال‌های زرین‌فام در این دوره بیش از هر چیزی مرهون استفاده از یک خمیرهٔ نرم پیشرفته و جدید از بدل‌چینی برای سفالگری بود. این مواد که گاهی اوقات بدل‌چینی ایرانی خوانده می‌شود، شامل قطعات گَردشده کوارتز، یک بدل‌چینی قلیایی و درصد کمی از خاک‌رس است که هنگامی‌که حرارت می‌بینند، یک محصول با بدنه‌ایی شفاف و سخت و نیمه‌شیشه‌ای تولید می‌کنند. خمیر نرم بدل‌چینی برای ایجاد یک فرم خوب به اندازهٔ کافی لطیف و منسجم بود و همچنین آن را برای قالب‌گیری آماده می‌کرد. این توسعهٔ فنی احتمالاً مهم‌ترین اتفاق برای سفال‌های ایرانی بود و امکانات جدیدی را در هر دو زمینهٔ شکل و لعاب برای آن‌ها فراهم کرد. در این زمان ایجاد اشکال و تزئینات غیرممکن در گل ممکن شد و این امر به بخش مهمی از اندوختهٔ سفالگر ایرانی تبدیل شد (Tabbaa, 1987: 105-106).

در سدهٔ ششم هـ.ق. تولید سفال در سوریه به‌واسطهٔ پیدایش بدنهٔ خمیرسنگی و نقاشی فلزآذین روی لعاب (زرین‌فام) تغییر کرد (خلیلی و گروبه، ۱۳۸۴: ۲۲۳). علت پیدایش چنین تغییراتی در

فن ساخت سفال‌های محلی سوریه و دستیابی به شیوه‌های نوین چندان روشن نیست. به‌نظر می‌رسد نقل و انتقالات سفالگران از مصر به سوریه موجب آشنایی سفالگران سوری با روش‌های ساخت و تزئین سفال‌ها شده است. آنچه این فرضیه را قوت می‌بخشد این است که تحولات مذکور در زمان حکمرانی حاکمان ایوبی بر سرزمین سوریه اتفاق می‌افتد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰).

سبک سفال زرین‌فام کاشان

کاشان در آغاز سدهٔ هفتم هـ.ق. یکی از مراکز عمدهٔ تولید سفالینه شد و به‌مدت چندین دهه، ظروفی را تولید کرد که فنی دقیق و ظریف داشتند. در کاشان نخست گروهی از ظروف منقوش زیرلعابی تولید شد که نمونه‌ای از آن‌ها کاسه‌هایی با دو معیار یا سطح، سینی و تنگ بود. دومین گروه عظیم از سفالینه‌های کاشان را ظروف زرین‌فام از جمله کاسه‌ها، سینی‌ها، گلدان‌ها، تنگ‌ها و کوزه‌های مختلف‌الشکل و نیز کاشی‌های دیواری و تاوه‌های شکل‌گیری محراب‌ها را تشکیل می‌دهند (تصاویر ۲ تا ۴). با این‌که در کاشان هیچ‌گونه حفاری صورت نگرفته، کتیبه‌های روی بعضی از کاشی‌ها همراه با شواهد ادبی، تردیدی باقی نمی‌گذارد که همهٔ این‌ها تولید کاشان هستند و نسبت کاشی هم به این نوع قطعات یا ظروف ریشه در نام کاشان دارد (اتیگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۵۱۶). شیوهٔ زرین‌فام که در حدود قرن ۳ هـ.ق. در ایران رایج می‌گردد در دورهٔ سلجوقیان و خوارزمشاهیان به اوج شکوفایی خود می‌رسد. تولید این نوع ظروف سری بوده و دانش تولید آن محدود به شمار اندکی از خانواده‌های صنعتگران بودند. تنها زمانی اسرار ساخت این فن آشکار شد که صنعتگران دست به مهاجرت زده و در یک منطقهٔ دیگر مشغول به کار شدند (اکبری، ۱۳۹۲: ۳).

تصویر ۲. سفال زرین‌فام، سبک کاشان، میانهٔ قرن سیزدهم میلادی (مأخذ: www.metmuseum.org).

تصویر ۳. کاشی زرین‌فام، کاشان، قرن سیزدهم م. (مأخذ: www.metmuseum.org).

تصویر ۴. سفالینهٔ نقاشی‌شده (پیاله)، کاشان، قرن ۱۳ م. ابعاد ۱۷٫۱ در ۱۵۲ سانتی‌متر. (مأخذ: www.brooklynmuseum.org).

کاشان یکی از مراکز مهم تولید سفال در ایران بوده و هنرمندانی چون ابوزید کاشانی و ابی‌طاهر مصداق این ادعاست. هنر کاشی‌سازی کاشان نیز در میان سایر مراکز از اهمیت بی‌نظیری برخوردار است. در کاشان استفاده از شیوهٔ لعاب سفال معمول بوده که مهم‌ترین آن‌ها شیوهٔ لعاب زرین‌فام است. این شیوه دارای سبکی خاص و ویژه نسبت به مناطق دیگر بوده است. نقوش آن عموماً متراکم، تصاویر انسان با صورت گرد و مغولی، چشمان بادامی در رنگ‌هایی چون قهوه‌ای تیره و روشن ساخته می‌شده است. بسیاری از نوشته‌های آن به خط کوفی و شکسته تعلیق در لبهٔ ظروف و گاهی هم در وسط آن به چشم می‌خورد که شامل اشعار رباعی، ضرب‌المثل از شاعران بزرگ چون فردوسی، باباافضل کاشانی، انوری و... است (تصویر ۵)، (سعادت‌میرقدیم و چیت‌سازیان، ۱۳۹۲: ۱۳۳). از دیگر ویژگی‌های سبک کاشان تصاویر واقع‌گرایانه در عرصهٔ تزئینات سفالی است. این تصاویر از قالب خشک گذشته رها می‌شوند، شخصیت‌ها در ارتباط قوی‌تر با یکدیگر قرار می‌گیرند و کلیت تصویر تا اندازهٔ زیادی واقعی‌تر به‌نظر می‌رسد. از جمله موضوعات متداول در این آثار می‌توان به صحنهٔ پادشاه و ملازمان، گفت‌وگوی دو معشوق و نیز صحنه‌های برگرفته از داستان‌های تاریخی و ادبی اشاره کرد. همچنین در این دوره با وجود منع پیکره‌سازی در اسلام، ظروفی به‌شکل انسان و حیوان نیز ساخته می‌شود (عرب‌بیگی و اکبری، ۱۳۹۵: ۲۰).

تنوعی که در طرح‌های سبک کاشان دیده می‌شود دارای زیبایی و متانتی در نقش‌هاست که نتیجهٔ احساس و دقت هنرمندان است. روی این کاشی‌ها تزئینات مختلفی از قبیل انسان، حیوان و شاخ‌وبرگ دیده می‌شود و تأثیر هنر نقاشی و کتاب‌نویسی در تمام آن‌ها نمایان است (دانشمند، ۱۳۶۷: ۹۵). در ظروف زرین‌فام کاشان رنگ آبی کمتر به لعاب اضافه می‌شده است. گرچه رنگ آبی و سبز گاهی به قصد محدود کردن یا قلم‌گیری نقش مورد استفاده قرار می‌گرفته، ولی گاهی نیز روی قسمت‌های به‌خصوصی از تزئین دیده شده است. قطعاتی از ظروف سفالین کاشان به‌دست آمده که دارای تاریخ ساخت بین ۶۰۰ و ۶۱۶ هـ.ق. است. خمیر ظروف کاشان بسیار نازك و روی هم‌رفته سفالینهٔ کاشان از با کیفیت‌ترین ظروفی است که در ایران ساخته شده است (رفیعی، ۱۳۷۸: ۱۰۴). با توجه به آثار سفالین معرفی‌شده با تزئین زرین‌فام و منسوب به شهر کاشان، بیشترین موضوع نقوش این نوع ظروف را تصویر زنان تشکیل می‌دهند. نقش مردان در تصاویر این نوع سفال‌ها خیلی کم‌رنگ بوده و هنرمندان نقاش سعی کرده‌اند تمام قسمت‌های ظروف را با نقوشی از تصاویر زنان، دختران، گیاهان اسلیمی و کتیبه‌های فارسی و عربی پر نمایند. برخلاف اکثر نقاشی‌های سفال‌های قرون اولیه اسلامی که تک‌چهره‌ها را نشان می‌دهند، تصاویر گروهی

افراد بر روی سفال‌های زرین‌فام این دوره به نمایش درآمدند (تصویر ۶)، (اکبری، ۱۳۹۲: ۹).

در حال حاضر طبقه‌بندی و گونه‌شناسی منسجمی دربارهٔ فرم‌ها و اشکال سفالی زرین‌فام کاشان وجود ندارد، ولی براساس تصاویر موجود از این سفال‌ها در موزه‌های مختلف، می‌توان به‌طور اجمالی ظروف کاشان را به‌شکل زیر دسته‌بندی کرد (جدول ۱):

کاسه: غالب‌ترین فرم در میان این اشکال کاسه‌ها هستند. این فرم در اشکال ساده، پایه‌دار و دارای لبه‌های دالبری دیده می‌شود. نقوش و تزئینات به‌کاررفته در این کاسه‌ها نیز متنوع و گوناگون است. این کاسه‌ها با نقوش انسانی و گیاهی مختلفی زینت داده شده است. کتیبه‌ها و خطوط عربی را نیز در تزئین کاسه‌ها استفاده کرده‌اند و اشکال برجسته و کنده‌کاری شده نیز وجود دارد.

بشقاب: بشقاب نیز از فرم‌های غالب در این سبک سفالی است. اشکال و تزئینات بشقاب‌ها نیز درست مانند کاسه‌ها بوده و تنها در فرم کلی با یکدیگر تفاوت دارند.

ظروف آبخوری: دلیل استفاده از این عنوان برای دسته‌بندی، وجود گروه انبوهی از ظروفی است که برای نوشیدن و شست‌وشو ساخته شده‌اند. کلیت این ظروف شبیه به هم بوده، اما می‌توان آن‌ها را به‌شکل دقیق‌تری مجزا کرده و در چهار دستهٔ سبو، تنگ، بطری و ابریق معرفی کرد.

۱- سبو: سبو به‌شکل دسته‌دار و ساده به‌صورت انبوه در سبک سفالی کاشان تولید می‌شده است. در میان فرم‌های موجود سبوهایی به‌شکل ظروف شکم‌دار با گردن باریک و دهانهٔ باز وجود دارد، ولی گاهی گردن و دهانه به‌شکل پیوسته و راسته هستند. سبوها غالباً دارای یک دسته بوده و در موارد معدودی وجود دو دسته نیز دیده شده است، هرچند نمونه‌های فاقد دسته نیز موجود است. در تزئین این فرم در اکثر موارد از لعاب‌های تک‌رنگ و دارای درخشندگی زرین‌فام با خطوط رنگی عمودی، نقوش اسلیمی، گیاهی، حیوانی، هندسی، نقطه، خطوط و کتیبه‌های عربی به‌شکل کنده‌کاری‌شده و برجسته استفاده شده است. ظروف موسوم به آلبارِلو (تصویر ۷) در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند.

۲- تنگ: تنگ‌ها به‌شکل گردن‌دار و فاقد گردن، غالباً دسته‌دار و به‌شکل ساده و تزئین‌شده وجود دارند.

تصویر ۵. کاسهٔ زرین‌فام مزین با اشعار و نوشته‌هایی به زبان فارسی و عربی، قرن دوازده م. (مأخذ: www.sothebys.com).

تصویر ۶. کاسهٔ زرین‌فام با تصاویر گروهی از افراد، کاشان، اواخر قرن دوازده تا اوایل قرن سیزدهم میلادی (مأخذ: www.honolulumu-seum.org).

۳- ابریق: ابریق‌ها یا آفتابه‌ها گروه دیگری هستند که در برخی موارد عیناً از روی ظروف فلزی کپی‌برداری شده‌اند.

۴- بطری: بطری‌ها نیز از ظروف پرکاربرد و متنوع در این سبک سفالی هستند.

ظروف با فرم‌های انسانی و حیوانی: در میان سفال‌های قرون میانی کاشان اشکالی به‌شکل حیوان و انسان نیز وجود دارند. در این گونه، ظروف پرنده‌ای‌شکل موسوم به هارپی و مجسمه‌های معروف به طغرل قابل توجه هستند. این ظروف گاه صرفاً یک شئ تزئینی بوده و گاهی نیز کاربرد آبخوری داشته‌اند.

کاشی‌های ستاره‌ای‌شکل: به‌نظر می‌رسد که از این کاشی‌ها برای تزئین بناهای گوناگون استفاده می‌شده است. نحوهٔ کاربرد آن‌ها را می‌توان از روی نقوش و تزئیناتی که در آن‌ها به‌کار رفته است مشخص کرد. نقوش روی این کاشی‌ها به‌قدری زیباست که این فرم را به یک فرم شاخص در کاشان تبدیل نموده است و اصولاً نام کاشی را از روی این فرم و شهر کاشان گرفته‌اند.

سبک سفال زرین‌فام رقه

شهر رقه در دورهٔ نهایی دولت‌های بازماندهٔ سلجوقی (۶۳۸-۵۵۴ هـ.ق.) تنها مرکز خارج از قلمرو ایران بود که مقدار قابل ملاحظه‌ای از ظروف سفالینه و کاشی‌های هنری و مبدعانه و به‌لحاظ فنی متمایز را پدید آورد (اتیگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۵۲۹). رقه که در ساحل رودخانهٔ فرات در بین‌النهرین شمالی واقع شده، یکی از مهم‌ترین مراکز تولید سفال در خلال قرون دوازده و سیزده م. (شش و هفت هـ.ق.) تحت حکومت سلجوقیان بود. ویرانه‌های این شهر برای سالیان متمادی توسط دلالان هنری مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت و نمونه‌های سفالی بسیار خوبی از آن پیدا شده است (تصاویر ۸ و ۹)، (Dimaond, 1957: 208). در دورهٔ ایوبی در میان شهرهای سوریه، شهر «رقه» بزرگ‌ترین مرکز تولید سفال در سوریه محسوب می‌شد. بررسی و مطالعهٔ قالب، نوع، لعاب، شیوه‌های تزئین و ویژگی‌های بصری سفال رقه شباهت آن را با سفال اسلامی در دیگر سرزمین‌ها آشکار می‌کند. در رقه ظرف‌هایی با نقش‌افزوده (باربوتین)، بدون لعاب و با تزئین قالب‌گیری‌شده در زیرلعاب سبز یا آبی یا اسگرافیتو ساخته می‌شد. علاوه‌بر این شاهکارهایی از رقه به‌دست آمده که با استفاده از نقاشی تزئین شده بود. فنونی که سفالگران رقه برای تزئین سفال‌ها به‌کار می‌گرفتند عبارت بود از نقاشی بر آستر لعاب و نقوش قالبی برجسته که در انواع مختلف یا به‌صورت تک‌رنگ به‌کار می‌رفت یا با فن فلزآذین (زرین‌فام) تزئین می‌یافت. فن دیگر نقاشی به‌رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای بر آستر لعاب در ظروفی بود که خود با فن زرین‌فام تزئین شده بود. به‌عبارت دیگر کاربرد رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی در ترکیب رنگی فلزی بود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲).

تصویر ۷. ظرف موسوم به آلبارِلو (مأخذ: www.collections.lacma.org).

جدول ۱. گونه‌شناسی سفال‌های زرین‌فام کاشان (نگارندگان).

کاسه	 موزهٔ متروپلیتن، (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: شکل ۱۸۸)	 موزه هنری هیوستون (www.mfah.org)	 موزهٔ بریتیش لندن (www.Britishmuseum. org)	 موزهٔ آبگینه (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵)	 موزهٔ آبگینه (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵)
بشقاب	 موزهٔ فریر گالری (رفیعی، ۱۳۷۸: ۲۲۵)	 موزهٔ ملی ایران (رفیعی، ۱۳۷۸: ۲۳۳)	 موزهٔ آبگینه (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۱)	 موزهٔ آبگینه (نگارنده)	 موزهٔ آبگینه (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰)
سبو	 موزهٔ هنری هیوستون (www.mfah.org)	 موزهٔآشمولین (www.ashmolean.org)	 سایت هنری sothebys[۲]	 موزهٔ اسرائیل (www.imj.org.i)	 موزهٔ هاروارد www.harvardartmuseums.org
تنگ	 موزهٔ هاروارد (www.harvardartmuseums.org)	 موزهٔ ویکتوریا و آلبرت (www.vam.ac.uk/museum/art-design)	 موزهٔ فریر ساکلر (www.freersackler.si.edu)	 سایت هنریsothebys	 سایت هنریsothebys
بطری	 موزهٔ هنر اسلامی (www.fotografia.islamoriente.com)	 موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	 سایت CERAMOPOLIS	 سایت هنری sothebys	 سایت هنری sothebys
ابریق	 موزهٔ متروپولیتن(www.metmuseum.org)	 سایت هنریsothebys	 سایت هنریsothebys	 موزهٔ لس‌آنجلس	 موزهٔ فریر ساکلر (www.freersackler.si.edu)

ظروف با فرم‌های انسانی و حیوانی	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)
کاشی ستاره‌ای	موزهٔ لندن (www.Britishmuseum. Org)	موزهٔ ویکتوریا و آلبرت (www.vam.ac.uk/museum/art-design)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ لندن (www.Britishmuseum. Org)	موزه متروپولیتن (www.metmuseum.org)

تصویر ۸. کاسهٔ زرین‌فام، سبک رقه، قرن سیزدهم م.، ابعاد ۱۰٫۵ در ۳۴٫۹ سانتی‌متر، موزهٔ متروپلیتن، شماره ۴۸٫۱۱۳٫۵ (مأخذ: www.metmuseum.org).

تصویر ۹. کوزهٔ زرین‌فام با لبهٔ برگشته، موزهٔ ملی دمشق، شمارهٔ ۶۷٫۱۲.

تزئینات ظروف سفالین رقه به دو گروه اصلی قابل‌تقسیم است: گروه اول، نقوش اصلی که معمولاً یا انسانی یا جانوری است. گروه دوم، نقوشی است که معمولاً در پس‌زمینه، نقش خالی‌پرکن دارد. این دسته از نقوش یادآور نقوش به‌کاررفته در تزئینات مربوط به دورهٔ فاطمیون در مصر است. در تزئین مربوط به این دوره نوارهای تزئینی ظریفی به‌همراه چندضلعی که ترکیبی از نقوش گیاهی بود به‌کار گرفته شد. این تزئینات شامل دو عنصر مختلف هستند: عنصر اول، نوار مارپیچ مانندی است که تمامی اتصالات و افتراقات از آن صورت می‌گیرد و به‌تنهایی تمامی سطوح را می‌پوشاند. عنصر دیگر، اشکال پهن و گسترده‌ای است که جاهای خالی را زینت داده و شبکه‌ها را پر می‌کند. عناصر تشکیل‌دهندهٔ این اشکالِ ملهم از طبیعت عبارتند از شاخه‌ها، شاخه‌های خرما و گل‌ها که بیشتر از نوع ریشه‌های پیچیده و درهم تشکیل شده است (تصویر ۱۰)، (البهنسی، ۱۳۸۷: ۳۳۶).

ظروف رقه دارای خمیرهٔ مشابه‌ای هستند که به رنگ سفید مایل به قهوه‌ای یا سبز در یک بافت محکم دیده می‌شوند. اشکال ویژه در این سبک، سبوها و ظروف بزرگ هستند. فرم‌های غالب آن‌ها با مواردی که در میان گروه‌های زرین‌فام یافت شده یکسان است، هرچند نمونه‌هایی

تصویر ۱۰. برخی از نقوش به‌کاررفته بر روی سفال‌های رقه، (Madina, 2006: 167-171).

از سبوهای بزرگ نگهداری آب یا مایعات دیگر نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود (Chatfield Pier, 1909: 10-19). در این ظروف تأثیرات ایرانی و مصری درکنار اشکالی که از سایر رسانه‌ها وام گرفته شده‌اند -مثل اشیایی با جدول‌های مثلثی، مربع، مستطیلی و هشت‌ضلعی- کاملاً آشکار است (اتیگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۵۲۹). سفال‌های مربوط به رقه در موزه‌های نقاط مختلف دنیا پراکنده هستند. سفال‌های زرین‌فام سبک رقه را نیز همچون سفالینه‌های زرین‌فام کاشان می‌توان به‌طور مختصر به‌شکل زیر دسته‌بندی کرد (جدول ۲):

کاسه: کاسه‌های سبک سفالی رقه غالباً پایه‌دار هستند، هرچند نمونه‌های ساده و فاقد پایه نیز وجود دارد؛ بدنهٔ برخی از این کاسه‌ها زاویه‌دار است و در قسمت ته ظرف فرورفته هستند. طیف گسترده‌ای از نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی، هندسی و خط و کتیبه‌های عربی زینت‌بخش این ظروف است.

بشقاب: برخلاف سبک کاشان که از نظر آماری بشقاب‌ها بعد از کاسه‌ها، دومین جامعهٔ آماری را تشکیل می‌دادند، در سبک رقه تعداد این فرم محدود است و از نظر تزئینات نیز مشابه کاسه‌ها هستند.

سبو: در رقه نیز سبوها از ظروف اصلی و عمده به‌شمار می‌روند. فرم کلی این ظروف تقریباً یکسان بوده و دارای تفاوت‌هایی اندک در فرم گردن یا تزئینات هستند. در اینجا هم همچون کاشان ظروف آلبارِلو فروانی قابل‌توجهی دارند.

تنگ: یکسان بودن فرم درمورد تنگ‌های سبک رقه نیز صادق است. در این‌گونه نیز همچون سبوها تفاوت‌های جزئی وجود دارد و اختلافات غالب به نقوش و تزئینات برمی‌گردد.

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان دو سبک

تقاضای مجدد برای شیوهٔ زرین‌فام موجب یک تحول و انقلاب در ساخت این سبک در سوریه، مصر و ایران شد. قدیمی‌ترین سبک ظروف منقوش زرین‌فام سوریه به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان «تلمینیس» شناخته می‌شوند که به‌طور مستقیم با محصولات فسطاط در حدود ۴۵۳ هـ.ق. مرتبط هستند. این مرکز که هنوز شناسایی نشده است، مدت زمان کوتاهی وجود داشته و احتمالاً در ۴۷۸ هـ.ق. متوقف شده و در مراکزی همچون دمشق و رقه دنبال شده و در مکان دیگری شناسایی نشده است. نمونه‌های ایرانی اولیه تشابهات دقیقی با ظروف نزدیک‌تر مصری نداشتند و بنابراین احتمالاً یک وقفه در تولید رخ‌داده است. بر این اساس تاریخی در حدود ۴۷۸ هـ.ق. برای شروع تولیدات ایرانی پیشنهاد می‌شود. کاشان نخستین و مهم‌ترین مرکز این تولیدات است. جدای از اثبات نظریهٔ واتسون که معتقد است اینجا تنها مرکز تولید ظروف زرین‌فام است، نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهند که کاشان مرکز غالب برای دیگر ظروف نیز بوده است (Mason, 1995: 8). تاکنون هیچ گزارش حفاری دربارهٔ رقه منتشر نشده است، هیچ کوره‌ای در ارتباط با آن یافت نشده است و هیچ‌گونه مدرک قانع‌کننده‌ای در منابع مکتوب و... وجود ندارد که نشان دهد در اینجا سفال

جدول ۲. گونه‌شناسی سفال‌های زرین‌فام رقه (نگارندگان).

کاسه	(www.ashmolean.org)موزهٔ‌آشمولین	(www.ashmolean.org)موزهٔ‌آشمولین	(www.ashmolean.org)موزهٔ‌آشمولین	موزهٔ فریر ساکلر www.freersackler.si.edu)(	موزهٔ فریر ساکلر (www.freersackler.si.edu)
بشقاب	(www.ashmolean.org)موزهٔ‌آشمولین	موزهٔ لس‌آنجلس	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)		
سبو	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)
تنگ	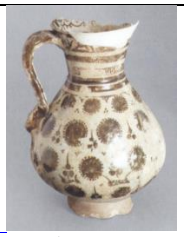 موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)	موزهٔ متروپولیتن (www.metmuseum.org)

تولید می‌شده است. درحقیقت مطالعهٔ سفال‌های قرون میانی سوریه از مطالعات معاصر ایرانی به‌شدت فاصله دارد. با وجود این، این سفال‌ها را هنوز هم به رقه و یا ظروف پلی‌کروم روسفا[1] نسبت می‌دهند (Bloom, 1975: 5). همان‌گونه که گروبه خاطرنشان می‌کند، درحالی‌که آگاهی ما از سفال‌های ایرانی و مصری در ابتدای قرون میانه به‌خوبی فراهم شده و ویژگی‌های آن‌ها نسبتاً خوب تبیین شده است، اما هنوز هم ابهامات زیادی دربارهٔ سفال‌های سوریه در این دوره وجود دارد. به‌جز چند محوطهٔ محدود، کاوش انجام نشده است و دانش ما صرفاً بر گفته‌های دلالان عتیقه و بررسی‌های سطحی است (Ibid: 49).

شباهت برخی از آثار به‌دست‌آمده از رقه با آثار ایران دورهٔ سلجوقی، حاکی از واردات این آثار به رقه است. شباهت در قالب ظروف بسیار مشهود است؛ چنان‌چه در یک مورد که در «نگارخانهٔ فریر» نگهداری می‌شود، حتی سوراخ روی دسته که در تنگ‌های سلجوقی برای تسهیل در خروج مایعات تعبیه می‌شده نیز الگوبرداری شده است (Bloom, 1975: 51).

گروبه تلاش کرده است ارتباط سفال‌های رقه را با سفال‌های هم‌عصر آن در ایران مورد مطالعه قرار دهد. قابل توجه این است که این شباهت در کاشان در ظروف زرین‌فام مشهود است (Gruber,

تصویر ۱۱. موقعیت شهرهای کاشان و رقه بر روی نقشهٔ (Google Earthe, 2017).

۱۹۶۳: ۴۵). به هرحال این شباهت به اندازه‌ای است که برخی محققین از جمله رایس معتقدند: «بعضی از سفال‌های آن سرزمین مستقیماً در ایران مدل‌برداری شده است» (رایس، ۱۳۸۶: ۱۴۴). همین مسأله گاه شناسایی سفال رقه را با مشکل مواجه می‌کند، زیرا سفالگران روسفا، دمشق و فسطاط بعد از ویرانی رقه، سبک رقه را ادامه دادند و در مواردی به تقلید از اجناس رقه پرداختند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲). کریستین اتونگینی با بررسی آثاری متعلق به سوریه از مجموعهٔ خلیلی نشان می‌دهد که «ظروف لعابی، زیرلعابی با نقوش سیاه زیرلعاب شفاف و فیروزه‌ای، زیرلعابی با رنگ‌های سیاه، آبی و قهوه‌ای و ظروف زرین‌فام درشت‌نقش، همگی از سنت‌های مشابه در ایران پیروی می‌کنند. به اعتقاد وی فرم برخی از ظروف رایج در رقه، مجسمه‌ها، ماکت‌ها، کاشی‌ها و حتی گل مورد استفاده در سوریه (خمیر) ریشه در سفال ایران دارد». (گروبه، ۱۳۸۴: ۲۲۴). نقوش اصلی بیشتر شامل نقوش انسانی، جانوری و کتیبه‌هاست. این دسته از نقوش با نقوش گیاهی که آن‌ها را نقوش فرعی یا خالی‌پرکن معرفی می‌کنند، همراه است. نقوش اصلی در مرکز ظرف در اندازهٔ بزرگتر نسبت به دیگر نقوش طراحی شده‌اند و به‌شدت متأثر از هنر تصویرگری ایران در سده‌های پنجم و ششم هـ.ق. هستند. علاوه‌بر این نقوش انسانی که پیشتر به آن‌ها به‌شکل منفرد، زوجی، ایستاده، نشسته یا سوار بر اسب، اشاره شد، از موضوعات اصلی هستند. فرم چهره‌های انسانی با صورت گرد و چشمان بادامی و کشیده همراه با ابروان پیوسته و گیسوان فروهشته از دو طرف صورت یادآور توصیفات انسان در ادبیات فارسی و نقوش نگارگری ایران در همین زمان هستند. ترکیب درخت و انسان نیز یادآور ترکیب قرینه در هنرهای باستانی ایران است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). اغلب اوقات به‌نظر می‌رسد که سفالگران ایرانی ترجیح می‌دادند تصویر خود را در برابر یک زمینهٔ کاملاً خالی رها کنند، درحالی‌که سفالگران سوری سعی کرده‌اند تا حدودی با عناصر تزئینی به آن روح ببخشند (Bloom, 1957: 52). در نقوش جانوری ترسیم‌شده در آثار سفالین رقه نقش پرندگان، گربه‌سانان و چهارپایانی همچون اسب بیشتر از دیگر جانوران دیده می‌شود. شیوهٔ بیانی نقوش در این آثار بسیار واقع‌گرایانه است. این نوع تزئینات در مقایسه با تزئینات تل مینیس به‌عنوان هنر بومی سفال‌های سوری، شیوهٔ طراحی دقیق‌تری دارد. پولسن این مسأله را چنین شرح می‌دهد: «تزئینات موجود متأخرتر از تزئینات سایه‌نما به رنگ سیاه منقوش بر آستر لعاب است. مباحثه برای تأیید این تئوری در این نکته خلاصه می‌شود که این

نوعی تبعیت از طبیعت است که در هنر یونان دیده می‌شود (Poulsen, 1957:169). مورد بعدی کتیبه‌های اسلامی با آرایه‌های تزئینی است. سفالینه‌های دورهٔ ایوبی یکی از نمودهای زیبای این ترکیب به‌شمار می‌رود. نقوش اسلیمی و گل‌های ریز و درشت، زمینهٔ بافت مخطط و متفاوتی با خط به‌عنوان نقش اصلی ایجاد می‌کند که باعث افزایش جلوه دیداری در کلاثر می‌شود. کاربرد کتیبه و خط عربی در سرزمین‌های اسلامی به‌قدری با هنرهای صناعی و معماری عجین شده است که گاه تنها یک عبارت یا خط عربی، اثر را در زیرمجموعهٔ هنرهای اسلامی قرار می‌دهد؛ بنابراین نمی‌توان با قطعیت گفت هنر یک سرزمین در طراحی حروف یا به‌کارگیری کتیبه تحت‌تأثیر تمدن دیگر قرار دارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴). دربارهٔ نقوش فرعی در سفال‌های رقه که بیشتر به‌شکل هندسی و پراکنده بوده و برای پرکردن زمینه به‌کار رفته‌اند، مشابهت‌ها نشان از تأثیر سفال‌گری مصر دارد تا ایران (همان). از باب تنوع فرم‌ها و شکل‌های سفالی، سبک سفالی کاشان دارای تنوع بیشتری است. بشقاب‌ها و کاسه‌های کاشان از تنوع بیشتری برخوردار هستند، ابریق‌ها در کاشان به‌شدت رایج‌اند، اما در رقه در میان ظروف زرین‌فام این سبک مشاهده نمی‌شود. سبوهای گردن‌باریک فاقد دسته در رقه وجود دارند ولی در سبک کاشان غالباً دسته‌دار هستند. کاشی‌های ستاره‌ای‌شکل در رقه به‌ندرت دیده می‌شوند و همان موارد معدود نیز به‌قدری به کاشی‌های کاشان شبیه هستند که تشخیص اصالتشان دشوار می‌شود. از جمله موارد تفاوت دیگر، ساخت ظروف به‌شکل حیوان در سبک کاشان است. نمونه‌هایی از این دست به فراوانی در سبک کاشان ساخته شده‌اند و به‌طور هم‌زمان در ترکیه نیز این ظروف به فراوانی تولید و پیدا شده‌اند، اما در میان نمونه‌های رقه کمتر به چنین مواردی برمی‌خوریم. همچنین اشکال سفالی انسانی نیز در سفال کاشان وجود دارند اما وجود چنین مواردی برای سبک رقه به‌ندرت مشاهده شده است. شاید این فقدان‌ها به اعتقادات و آئین مذهبی مردم منطقهٔ سوریه مربوط باشد. به‌طور کلی با یک نگاه اجمالی به دو جدولی که پیش‌تر آورده شد (جداول ۱ و ۲) و در آن‌ها به معرفی فرم‌های غالب در هر دو سبک پرداختیم، به‌راحتی بتوان یک مقایسهٔ کلی بین دو سبک انجام داد و این تفاوت‌های سبکی را مشاهده کرد. در ادامه برخی از نقش‌مایه‌های مشترک میان دو سبک آورده شده است (جدول ۳).

بحث و تحلیل

در دورهٔ اسلامی، هنر سفال‌گری در این مناطق (کاشان و رقه) ادامه می‌یابد و تحولات و تغییرات زیادی در آن پدیدار می‌شود که گاه در ارتباط با هنرهای دیگر و گاه با توجه به قابلیت‌های وجود خود سفال از جمله انواع روش‌های تزئینی سفال، نگاهی ساده‌اندیشانه است که تصور شود حضور یک تحول و تغییر بر نوع تحول دیگر بی‌تأثیر بوده است؛ بلکه هم‌جواری تغییر و تحولات بر هم تأثیر گذاشته و حتی گاه با هم رابطهٔ تنگاتنگ پیدا کرده است. در دورهٔ سلجوقی تجارت اعتبار و اهمیت زیادی یافت و تولیدات کارگاهی ترقی چشمگیری کرد. ری و کاشان از مراکز مهم تولید صنعتی بودند که در مسائل اقتصادی آن دوران سهم به‌سزایی داشتند. علاوه‌بر انواع پارچهٔ ابریشمی، کاشی و ظروف سفالین از مهم‌ترین تولیدات این شهرها بود که آن‌ها را از طریق راه‌های تجاری عمده که مرکز ایران را به آناتولی و شام متصل می‌کرد، صادر می‌کردند (بویل، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

ارتباطات و مشابهت‌های نزدیک میان دو سبک سفالی مورد بحث به‌قدری واضح و بدیهی است که ناخودآگاه ذهن را به‌سمت یافتن دلایل این نزدیکی می‌کشاند. دلایل این تشابهات را می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه توضیح داد:

به‌عقیدهٔ پوپ از دورهٔ سلجوقی سفال‌سازی یکی از صنایع ملی بوده و علاوه‌بر ری، کاشان، ساوه و سلطان‌آباد در بیشتر از پنجاه شهر رواج داشته و از این‌طریق تجارت مهمی ایجاد شده بود و ظروف

جدول ۳. نقوش مشترک میان دو سبک سفالی (نگارندگان).

سبک کاشان		سبک رقه	
طرح ۱: نگارندگان	تصویر ۱: موزهٔ متروپولیتن	تصویر ۲: موزهٔ متروپولیتن	طرح ۲: نگارندگان
طرح ۳: نگارندگان	تصویر ۳: موزهٔ متروپولیتن	تصویر۴: www.chiristies.com	طرح ۴: نگارندگان
طرح ۵: نگارندگان	تصویر ۵: موزهٔ متروپولیتن	تصویر۶: موزهٔ متروپولیتن	طرح ۶: نگارندگان
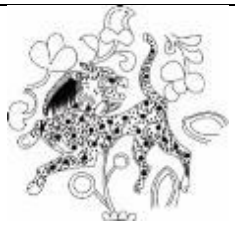 طرح ۷: نگارندگان	تصویر۷: www.wikimedia.com	تصویر۸: www.wikimedia.com	طرح ۸: نگارندگان
طرح ۹: نگارندگان	تصویر ۹: موزهٔ متروپولیتن	تصویر ۱۰: موزهٔ متروپولیتن	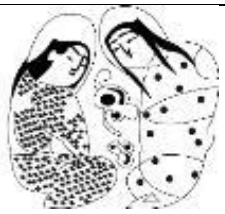 طرح ۱۰: نگارندگان

ایران به هند، ترکیه، عراق و سوریه صادر می‌شد (پوپ، ۱۳۸۹: ۱۰۳). از این‌میان کاشان مقامی شاخص داشت و می‌توان گفت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز تولید کاشی و سفالینه بود که تولیدات آن به سایر نقاط صادر می‌شد (عرب‌بیگی و اکبری، ۱۳۹۵: ۳۸).

مورد بعدی مسألهٔ مهاجرت و جنگ است. شاید بتوان حملات مغولان در نیمهٔ اول قرن هفتم هـ.ق. را یکی از بزرگ‌ترین مهاجرت‌های تاریخ ایران دانست. البته جنگ تنها دلیل برای مهاجرت نبود، بلکه از نیمهٔ دوم قرن ششم هـ.ق. (مقارن با حکومت قلیچ‌ارسلان دوم) به‌سبب وجود ثبات در داخل قلمرو سلجوقی، فعالیت‌های علمی و اجتماعی شروع به اوج‌گیری می‌کند و در پی آن رقابت‌های چشمگیری در زمینهٔ ایجاد مؤسسات فرهنگی، اجتماعی و جریانات علمی دیده می‌شود، به‌طوری‌که به‌سبب این حرکت فکری، بسیاری از دانشمندان و هنرمندان ایرانی در عراق و سوریه مقیم شدند. از این گروه می‌توان از نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی از اهالی کاشان و شهاب‌الدین سهروردی نام برد (اوزون‌چارشی‌لی، ۱۳۶۸: ۲۷). در همین دوران ردپای سفال‌گران مهاجر ایرانی در نقاط مختلف دیده می‌شود. سفال‌گران کاشانی در چند دهه قبل از هجوم مغولان به مراکز دیگر مهاجرت کرده و در آنجا به تولید ظروف منقوش زیرلعابی و زرین‌فام پرداخته‌اند؛ از جمله در ساوه، گرگان و سلطان‌آباد. پوپ درمورد دلیل حضور سفال‌گران کاشان در این‌گونه شهرها معتقد است که آن‌ها اغلب با هدف ایجاد کارگاه‌های سفال در مناطق درحال توسعه به آن مکان‌ها مهاجرت می‌کردند و کارگاه می‌ساختند. این استادان از سبک بومی پیروی می‌کردند و گاهی در آن سبک تصرفاتی روا می‌داشتند (پوپ، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

نتیجه‌گیری

سفال زرین‌فام را به‌عنوان یکی از شاهکارهای هنری دورهٔ سلجوقی معرفی می‌کنند. هرچند که پیش از دورهٔ سلجوقی نیز سفال زرین‌فام در مصر و گاهی بین‌النهرین وجود داشت، اما سفال‌گران سلجوقی با ابداع خاک‌چینی یا خمیر سفید توانستند تحول شگرفی در ساخت و تزئینات این‌گونهٔ سفالی ایجاد کنند. این تحولات به رونق صنعت و هنر سفال‌گری منجر شد و به‌تبع آن شهرها و مکاتبی در ایران و سایر نقاط دنیای اسلام سر برآوردند که مکتب کاشان از جملهٔ آن‌هاست. سفال و کاشی زرین‌فام کاشان به‌حدی از زیبایی و دوام دست یافته بود که نام کاشی را از آن گرفته‌اند. محصولات زیبای این شهر به سراسر دنیای اسلام صادر می‌شد و همین امر موجبات گسترش و اشاعهٔ آن را فراهم آورد.

از سوی دیگر سفال سبک رقه که به‌عنوان هنر لاینفک دورهٔ ایوبی در شهر رقه و در ساحل فرات شکل گرفته بود، شباهت انکارناپذیری با آثار دورهٔ سلجوقی و مکتب سفالی کاشان داشت. این شباهت‌ها گاهی چنان نزدیک می‌شود که تشخیص اینکه سفال به رقه یا کاشان تعلق دارد را دشوار می‌کند. هرچند ساخت ظروف زرین‌فام پیش از ایران در مصر و عراق رایج بود و از طریق عراق به ایران وارد شد، اما اوج شکوفایی و شکوه تولید این سفال را باید در ایران دورهٔ سلجوقی دانست. هرچند در باستان‌شناسی سخن گفتن و نتیجه‌گیری قطعی و یقینی درست نیست، ولی با ریشه‌یابی شباهت‌های میان دو سبک می‌شود چنین نتیجه‌گیری کرد که سفال رقه در قرون پنج تا هفت هـ.ق. به‌شدت تحت‌تأثیر سفال کاشان بوده و این سبک کاشان است که تأثیر غالب و قابل‌توجهی بر روی سفال‌های سبک رقه داشته است و شاید بتوان مباحثی همچون تجارت، مهاجرت و جنگ را در این اشاعه و تأثیرگذاری مؤثر دانست. شکوفایی اقتصادی شکل‌گرفته در دورهٔ سلجوقی موجب رونق تجارت شد و درکنار سایر اقلام کاشی و سفال نیز یکی از کالاهای صادراتی اصلی به‌شمار می‌رفت. تجار کاشانی در این زمینه سهم به‌سزایی برعهده داشتند و حتی ممکن است برای راحتی کار و رسیدن به سود بیشتر در سرزمین‌های دیگر دست به ساخت کارگاه‌های تولیدی زده باشند.

علاوه‌بر این بعد از حملهٔ مغولان اکثر هنرمندان برای فرار از کشتار مغولان به سرزمین‌های دیگر مهاجرت کردند و بر این اساس احتمال هجرت هنرمندان کاشانی به رقه یا سرزمین‌های مجاور آن نمی‌تواند دور از ذهن باشد. با مقایسهٔ مختصری که در این پژوهش بر روی فرم‌ها و تزئینات این دو سبک سفالی در قالب سه جدول انجام گرفت، می‌توان اظهار داشت که تنوع فرم‌ها و نقوش در سبک کاشان به‌مراتب گسترده‌تر و متنوع‌تر از سبک رقه است و از سویی شباهت‌های موجود به‌دلیل اینکه تاریخ سفال‌های کاشان قدیمی‌تر است، می‌تواند دلیلی بر الگو گرفتن آن‌ها از روی سفال‌های کاشان بوده باشد. برخی از محققان عدم یافت‌شدن کوره و کارگاه‌های تولید سفال در رقه را نیز دلیلی بر واردات سفال به رقه در نظر می‌گیرند و بر این اساس معتقدند که شاید ظروف رقه وارداتی بوده باشد. هرچند در این زمینه نیز سخن گفتن با یقین امکان‌پذیر نیست، چراکه کاوش‌های انجام‌شده در شهر رقه و مناطق اطراف آن بسیار محدود بوده و بنابراین تا انجام کاوش‌ها و بررسی باستان‌شناسی بیشتر در آینده نمی‌توان در این زمینه بیش از این اظهارنظر کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شهری کوچک در جنوب غربی رقه است.

کتاب‌نامه

- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، الگ (۱۳۸۷). *هنر و معماری اسلامی ۱*. ترجمهٔ دکتر یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، تیمور (۱۳۹۲). «تحلیل باستان‌شناختی از سفال‌های زرین‌فام کاشان». *همایش ملی باستان‌شناسی ایران*، دستاوردها، فرصت‌ها و آسیب‌ها، دانشگاه هنر بیرجند.
- البهنسی، عفیف (۱۳۷۸). *هنر اسلامی*. ترجمهٔ محمود پورآقاسی، تهران: انتشارات سورهٔ مهر.
- اوزون‌چارشی‌لی، اسماعیل‌حقی (۱۳٦۸). *تاریخ عثمانی*. جلد اول، از تشکیل دولت عثمانی تافتح استانبول. ترجمهٔ ایرج نوبخت، تهران: نشر کیهان.
- بویل، جی. آ (۱۳۹۰). *تاریخ ایران کمبریج*. جلد ۵. ترجمهٔ حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۹). *شاهکارهای هنر ایران*. ترجمهٔ پرویز ناتل‌خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خلیلی، ناصر و گروبه، ارنست (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. جلد ۷. ترجمهٔ فرناز حائری، تهران: انتشارات کارنگ.
- دانشمند، شهلا (۱۳۶۷). «بررسی نقوش دورهٔ سلجوقی». پایان‌نامهٔ کارشناسی ارتباط تصویری. دانشگاه تهران.
- رایس، دیوید تالبوت (۱۳۸۶). *هنر اسلامی*. ترجمهٔ ماه‌ملک بهار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیعی، لیلی (۱۳۷۸). *سفال ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا عصرحاضر*. تهران: انتشارات یساولی.
- سعادت‌میرقدیم، سیده‌نرگس و چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۳۹۲). «تعامل شعر با تکنیک‌های ساخت سفالینه‌های دورهٔ اسلامی کاشان». *پژوهش‌نامه کاشان*، شمارهٔ ۱۰. صص: ۱۴۵-۱۲۲.
- عرب‌بیگی، ابولفضل و اکبری، عباس (۱۳۹۵). «منشأ نقوش کاشی‌های کاخ قبادآباد ترکیه با نگاهی تطبیقی به آثار ایران و سوریه». *فصلنامهٔ نگره*، شمارهٔ ۳۹. صص: ۵۹-۴۶.

- قاسمی، مریم، براتی، بهاره و زارعی، احسان (۱۳۹۴). «انواع آرایه‌های تزئینی در سفال‌های ایوبیان، مطالعهٔ موردی: سفال‌های رقه موجود در موزهٔ متروپلیتن». *دوفصلنامهٔ سفالینه*، شماره ۳. صص: ۵۰-۳۹.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹). *سفال و سفالگری در ایران از نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران: نشر ققنوس.
- گروبه، ارنست (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*. ترجمهٔ فرناز حائری، تهران: انتشارات کارنگ.
- نیکخواه، هانیه و شیخ‌مهدی، علی (۱۳۸۹). «رهیافتی به سیاست‌های فرهنگی ایلخانان در سدهٔ سیزدهم/ هفتم در واکاوی نقوش سفال‌های زرین‌فام ایران». *دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۹. شمارهٔ سیزدهم. صص: ۱۲۹-۱۰۹.
- واتسون، الیور (۱۳۸۲). *سفال زرین‌فام ایران*. ترجمهٔ شکوه ذاکری، تهران: نشر سروش.

- Akbari, T. (2013). "Archaeological Analysis from Lusterware of Kashan", *National archaeological conference of Iran, achievements, opportunities, and injuries,* Iran, Birjand: Art University.
- Albehensi, A. (1999). *Islamic Art,* Translate by Mahmood Por Aghasi, Tehran: Press of Soreh Mehr.
- Arab Beygi, A. & Akbari, A. (2016). "The origin of the motifs on Kubad Abad Palace's tiles in Turkey with a comparative study of Iranian and Syrian works", *Negereh Journal,* Vol. 11, No. 39, P.P. 46-59.
- Bloom, J. (1975). *Reqqa Ceramics of the freer Gallery of Art,* Washington D.C, Michigan: Ann Arbor University of Michigan.
- Boil, G. A. (2011). *The Cambridge History of Iran,* Translate by: Hasan Anosheh, Tehran: Press of Amir Kabir.
- Charshili, O. & Hagi, E. (1990). *Ottoman History,* Translate by: Iraj Nobakht, Tehran: Keyhan press.
- Chatfield Pier, G. (1909). *Pottery of the Near East,* G. P. Putnams Sons, New York and London, The Knickerbocker press.
- Daneshmand, S. (1989). "A Survey of Motifs of Seljuk Period", M.A. Thesis, Tehran: Tehran University.
- Dimand, M. S. (1957). *The Horace Havemayer Bequest of Iaslam Art*, New York: Metropolitan Museum of Art Bulletin.
- Ettinghausen, R. & Grabar, O. (2008). *The Art and Architectur of Islam* (1), Translate by: Yaghoob Azhand, Tehran: Samt press.
- Gasemi, M. & Barati, B. & Zarei, E. (2015). "A variety of decorative artifacts in Ayyubid Pottery, Case Study: Raqqa Pottery in the Metropolitan Museum", *Sofalineh Journal,* No. 3, P.P. 39-50.
- Grube, E. J. (1963). "Reqqa ceramics in der samlung des s (Metropolitan Museum in New York", *Journal of Kunst des Orient,* Vol. 4, P.P. 43-78.
- Grube, E. J. (1995). *Cobalt and Lustre the First Centuries of Islamic Pottery.* London: Published by Oxford.

- Kambakh Fard, S. (2000). *Pottery and Pottery-Making in Iran from Neolithic to Contemporary Period,* Tehran: Gognos press.

- Khalili, N. & Grobe, E. (2005). *Islamic Pottery,* Translate by: Farnaz Heri, Tehran: Karang press.

- Madina, M. J. (2006). *Raqqa Revisited Ceramics of Ayyubid Syria, The metropolitan Museum of Art*, New York: Yale University Press.

- Mason, R. B. (1995). "New Looks at Old Pots: Results of Recent Multidisciplinary Studies of Glazed Ceramics from the Islamic World", *Muqarnas,* Vol. 12, P.P. 1-10.

- Nik Khah, H. & Khazai, M. & Hatam, G. A. & Nistani, J. (2011). "Reflection of Configuration of two Social Phenomena on luster Ceramics in Seljuk Era (The Appearance of Middle Class and Popular Art)", *Journal of Pejuhesh Nameh Anjoman-e Iraniye Tarikh,* Vol. 3, No. 9, P.P. 107-125.

- Nik Khah, H. & Sheikh Mahdi, A. (2010). "The Study of Cultural Policies Illkhanids in the Thirteenth Century in survey Motifs of Lusterware of Iran", *Journal of Islamic Art Studies*, No.13, P.P. 109-129.

- Pope, A. O. (2010). *Mesterpieces of Persian Art,* Translate by: Parviz Natel Khanlari, Tehran: Press of Scientific and Cultural.

- Poulsen, V. (1957). *Hama: Les verreries et poteries médiévales,* Copenhague: Nationalmuseet.

- Rafii, L. (1999). *The Pottery of Iran from Prehistoric Era to Contemporary Period*, Tehran: Yasaveli press.

- Rice, D. T. (2007). *Islamic Art,* Translate by: Mah Malek Bahar, Tehran: Press of Scientific and Cultural.

- Saadat Mirghadim, S. N. & Chit Sazyan, A. H. (2013). "The Connection between Poetry and Kāshān's Art of Pottery in Islamic Period", *Journal of Kashan Shenakht,* No. 10, P.P. 122-145.

- Tabbaa, Y. (1987). "Bronze Shapes in Iranian Ceramics of the Twelfth and Thirteenth Centuries", *Archnet Journal,* Vol. 4. P.P. 98-113.

- Watson, O. (1975). "Persian Lustre ware from the 14th to the 19th Centuries", *Le-Monde Iranien et L'Islam,* Paris, Vol: 3, P. 46.

- Watson, O. (2003). *Persian Luster ware,* Translate by: Shokoh Zakeri, Tehran: Sorosh press.

- www.ashmolean.org

- www.britishmuseum.org

- www.brooklynmuseum.org

- www.ceramopolis.com

- www.chiristies.com

- www.collections.lacma.org

- www.fotografia.islamoriente.com

- www.freersackler.si.edu

- www.harvardartmuseums.org
- www.honolulumuseum.org
- www.imj.org.i
- www.metmuseum.org
- www.mfah.org
- www.sothebys.com
- www.vam.ac.uk/museum/art-design
- www.wikimedia.com